

خبر

مرتضی الویری مطرح کرد

رایزنی اصلاح طلبان با شورای نگهبان

● مرتضی الویری، عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، به ایده مشارکت مشروط در انتخابات گریزی زد و گفت: «تلاش جریان اصلاح‌طلبی در شرایط فعلی بر این است که هرگونه التهاب را از فضا دور کرده تا امکان حضور فعال در انتخابات فراهم شود، ضمن اینکه اصلاح‌طلبان بر این باورند که تنها راه توفیق در حل مشکلات کشور و البته در چارچوب نظام صندوق رأی است و راه دیگری جز صندوق رأی نمی‌شناسیم، بنابراین تلاش و امیدواری‌مان این است که شرایط مطلوبی داشته باشیم تا بتوانیم از طریق صندوق رأی مسیر اصلاحات را پیش برده و مشکلات مردم را حل کنیم».
به گزارش «خبرآنلاین»، عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان ادامه داد: «اما اگر به هر دلیلی مسیر حرکت اصلاح‌طلبان برای حضور مؤثر در انتخابات آینده بسته شود، به عبارتی قلع‌وقمع‌گانه‌بداها شروع شود و ما به مقطعی برسیم که ببینیم از طریق صندوق رأی حتی کوچک‌ترین قدمی نمی‌توانیم برای اصلاحات برداریم به طور طبیعی سرفصل جدیدی باز خواهد شد که ممکن است هیچ لیستی ارائه ندیم، علت آن هم این است که نمی‌توانیم لیستی را به جامعه معرفی کنیم که در آینده نتوانیم از آن دفاع کنیم، در این شرایط است که ما بگویم ما لیستی نخواهیم داد». او با بیان اینکه نحوه برخورد اصلاح‌طلبان فارغ از نظرات شخصی افراد زمانی مشخص می‌شود که شورای نگهبان به موضوع بررسی صلاحیت نامزدها ورود کند، تأکید کرد: «بعد از اینکه شورای نگهبان بررسی صلاحیت‌ها را در دستور کار قرار داد و لیست‌ها مشخص شد، در آن مقطع اگر اصلاح‌طلبان ببینند که حضور آنها در انتخابات برای حل مشکلات مردم مبسر است به طور طبیعی با شوروهیجان حضور پیدا خواهند کرد، اما اگر ببینند این امید وجود ندارد سیاست دیگری را اجرائی می‌کنند».
الویری درباره رایزنی اصلاح‌طلبان با شورای نگهبان پیش از آغاز بررسی صلاحیت نامزدها نیز گفت: «از جمله وظایفی که برای یکی از کمیته‌های شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تعیین شده، رایزنی با برخی از مسئولان و نهادهای ذ‌ربط از جمله شورای نگهبان است، در این زمینه بناست تا گفت‌وگوها و تعاملاتی با نمایندگان شورای نگهبان صورت گیرد با این هدف که آنها را متقاعد کنیم سیاست جریان اصلاح‌طلبی حرکت در چارچوب نظام است و زمانی که خود را در این چارچوب تعریف می‌کند به طور طبیعی تمام تمهیدات لازم را به عمل خواهد آورد».
عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با بیان اینکه در تلاشیم با هماهنگی‌های لازم بیشترین تعداد نامزدهای اصلاح‌طلب را از فیلتر شورای نگهبان عبور دهیم، گفت: «همان‌طور که عرض کردم، این اقدام در یکی از کمیته‌های شورای‌عالی اصلاحات مورد توجه قرار گرفته و نه‌تنها شورای نگهبان، بلکه برخی دیگر از مسئولان نظام هم محل رجوع ما برای هماهنگی بیشتر هستند».

ظریف:

حتی یک حساب بانکی در خارج از ایران ندارم

● ایترنا: وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز، من معتقدم که برج‌ام بهترین توافق ممکن در مسئله هسته‌ای است. هیچ‌یک از طرف‌ها با تمام عناصر توافق موافقت نداشتند، اما به نگرانی‌های اصلی همه توجه می‌کرد. با تمام اینها با چشم باز در مورد آنچه که ممکن بود و نبود، مذاکره شد. ما چیزی را نآبدیده نگرفتیم. ما واقعیت را قبول کردیم که ما نمی‌توانیم تمام اختلافاتمان را در این توافق حل کنیم و توافق کردیم که آنها را کنار بگذاریم.محمدجواد ظریف عنوان کرد: مهم است که توجه داشته باشید، برخلاف اعتراض‌های عمومی مخالفان برجام از هر دو طرف، برنامه جامع اقدام مشترک بر اساس اعتماد ایجاد شده است، درواقع بر اساس عدم اعتماد صریح متقابل بود. به همین دلیل است که خیلی طولانی و دقیق است. پاراگراف ۳۶ برجام یک نمونه واضح است که ما در این توافق با آگاهی به اینکه نمی‌توانیم به تعهدات غرب اعتماد کنیم، مذاکره کرده‌ایم. در حال حاضر از این گزینه در توافق استفاده می‌کنیم که می‌تواند جلوی فروپاشی کامل این توافق را بگیرد که به ضرر منافع همه از جمله ایالات متحده خواهد بود.وزیر خارجه در پاسخ به این سؤال که آیا فکر می‌کنید توافق هسته‌ای می‌تواند نجاست یابد؟ افزود: تا زمانی که طرف‌های باقی‌مانده (روسیه، آلمان، انگلیس، چین، فرانسه و اتحادیه اروپا) به تعهداتشان عمل کنند، ما به تعهداتمان پایبند می‌مانیم. بقا یا فروپاشی برجام به توانایی و تمایل همه طرف‌ها برای سرمایه‌گذاری در این تعهداتشان بستگی دارد. به طور خلاصه، هر که توافق چندجانبه نمی‌تواند یک طرفه اجرا شود، در پاسخ به این سؤال که مقامات دولت ترامپ در مورد تعیین شما به‌عنوان هدف تحریم‌های اقتصادی صحبت کرده‌اند، گفت: هرکسی که من را می‌شناسد، می‌داند که من با خانواده‌ام هیچ مالکیتی در خارج از ایران نداریم. من بنسخه حتی یک حساب بانکی در خارج از ایران ندارم. ایران کل زندگی و تعهد من است. بنابراین من هیچ مشکل شخصی‌ای با تحریم‌های احتمالی ندارم. تنها اثر - و احتمالا تنها هدف - این اقدام احتمالی، محدودکردن توانایی من برای برقراری ارتباط است و من شک دارم که برای کسی مفید باشد. به طور اطمینان، این امر امکان تصمیم‌گیری آگاهانه در واشگتن را محدود می‌کند.

شورای نگهبان پاسخ فقدان احزاب را می‌دهد

ادامه از صفحه ۶

● گزارش‌هایی که برای

اصلاح‌طلب‌ها می‌آید، زیاد است!

وقتی فردی در جایی می‌گوید قانون اساسی را قبول ندارد، نظام سیاسی را قبول ندارد، چگونه می‌خواهد در همین نظام نماینده مجلس شود. اگر یک فرد اصولگرا هم این مطلب را بگوید، رد صلاحیت خواهد شد. هرچند تأکید می‌کنم تمام ادعاها را بررسی می‌کنیم و صرف یک گزارش اقدام نمی‌کنیم.

● انتقاد از عملکرد شورای نگهبان چطور؟

همین خانم‌ها و آقایان فرانسویون امید در پرونده خود کلسی انتقاد به شورای نگهبان داشته‌اند، مگر هم‌اکنون نماینده مجلس نیستند. ما هرگز به انتقاداتی از این دست ورود نمی‌کنیم.

● در بحث ردصلاحیت‌ها، مشخصا سال ۸۴

آقایان مهرعلیزاده و معین ردصلاحیت شدند؛ با پیشنهاد حدادعادل و ورود مقام معظم رهبری شورا آنها را تأیید صلاحیت کرد. از این موارد کم نبوده که نشان‌دهنده اشتباهات شورای نگهبان است. در مواردی مانند مینو خالقی و سینتا نیکنام هم به شکلی دیگر ماجراها پیش رفت. ماجراهایی از این دست، به تنگ‌نظری شورا تعبیر می‌شود. آیا با گذشت ۴۰ سال از انقلاب و بروز اشتباهات مختلف شورا نمی‌تواند با دست و نگاه‌ی باز به بررسی صلاحیت‌ها بپردازد؟

ابتدا بگویم که موضوع آقایان معین و مهرعلیزاده اشتباه نبود بلکه بر اساس حکم حکومتی انجام شد. اما برای پاسخ باید از شما بپرسم آیا قوه مجریه، قوه قضائیه و مجلس اشتباه نداشته‌اند؛ شورای نگهبان هم اشتباه داشته است. اصلاح اشتباه چیست؟ جبران چیست؟ باید ببینیم اشتباه ریشه در چه دارد. من معتقدم برخی از اینها همان ضعف قانون است. قوانین مختلفی که چارچوب وظایف و تعیین کرده باید اصلاح شود و یک بخش هم شورای انسانی است. گاهی باید قانون را اصلاح کنند که قاضی مرتکب اشتباه نشود؛ گاهی قاضی را برکنار می‌کنند که مرتکب اشتباه نشود. گاهی کدخدایی اشتباهات زیادی دارد، باید برکنار شود. همه اینها در یک چارچوب تعریف‌شده هستند. رئیس‌جمهور اگر اشتباه کند مجلس استیضاح خواهد کرد. دادسرای انتظامی قضات به تخلفات قضات رسیدگی می‌کند. شورای نگهبان هم مطابق مقررات باید پاسخ‌گوی تخلفات خود باشد. اگر همه اینها با اصلاح قانون انجام شود درصد اشتباه و اشکالات هم کمتر خواهد شد. یک بخش عمده دیگر در حوزه شورای نگهبان نیست به بحث کنش‌های سیاسی و اجتماعی است. اگر به دنبال سیاست‌های بهنگام و نابهنگام هستیم برویم دنبال بحث احزاب. ما تکلیف احزاب را هنوز مشخص نکرده‌ایم. شورای نگهبان الان دارد پاسخ فقدان احزاب را می‌دهد. در آمریکا اکنون انتخابات درون حزبی ریاست‌جمهوری در حال انجام است و ۹ نفر از حزب دموکرات با هم رقابت می‌کنند تا در نهایت یک نفر به عنوان رقیب ترامپ انتخاب شود. یعنی صلاحیت شایستگی و کارآمدی این افراد در روند انتخابات درون‌حزبی بررسی می‌شود. ما همه را کنار گذاشتیم و بار کل این مسئولیت را بر دوش ۱۲ نفر قرار داده‌ایم؛ طبیعتا پاسخ نمی‌دهد. ما باید حلقه مفقوده را جای دیگری پیدا کنیم.

● خب ما احزاب را یکی پس از دیگری تعطیل کردیم. اتفاقات دهه ۶۰نشان داد تحمل کثرتگرایی را نداشته و نداریم و صدای مخالف را نمی‌شنویم؛ آستانه تحمل بسیار پایین آمده و حتی حزب جمهوری اسلامی هم منحل شد. کارکرد احزاب در این فضا چگونه ممکن است! ما باید ببینیم حلقه مفقوده و نواقص چیست، بعد از شورای نگهبان طلب کنیم. بیاز احراز صلاحیت در واقع باید در یک چارچوب مردمی‌تر انجام شود؟

● برای بررسی تبعات اشتباه نهادی چون شورای نگهبان اجازه دهید به فرایند گزینش در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم و آن را تعمیم بدهیم به شورای نگهبان؛ دلیل این تعمیم این است که از فیلتر شورا افراد ضعف و ناکارآمد به راحتی می‌شوند و برعکس حلقه ورود افراد شاخص تنگ شده است. نتیجه تشکیل مجلس‌هایی است که یکی پس از دیگری ناکارآمد هستند. سؤال ما این است که انتخاب بین بد و بدتر همان نادیده‌انگاشتن حق انتخاب‌شدن و حق انتخاب‌کردن مردم مطابق اصل قانون اساسی است که شما پاسدار آن هستید. اگر اشتباهات کم ما را مجبور به انتخاب افراد معمولی و حتی ضعیف می‌کنید!

شما به نامزدهای مجلس قبلی رأی دادید؟ ملاک و معیار شما چه بود، به دنبال پاسخ نیستم؛ فقط می‌خواهم در ذهن شما پاسخ ایجاد شود. تعداد زیادی در تهران تأیید صلاحیت شده بودند. بر اساس معیارهایی اسامی را انتخاب کردند، معیارهای شما چه بود. آیا درباره شایستگی‌ها تحقیق کردید. شما اگر افراد را نمی‌شناسید خب یا به اطرافیان خود اعتماد می‌کنید یا تحت تأثیر جو ساسی رأی می‌دهد. وقتی ششش هزار نفر تأیید صلاحیت شدند مطمئنا افراد اصالح بین آنها وجود داشته است؛ آیا این افراد شایسته انتخاب شدن؟

دو حقوق‌دان برجسته زمان ثبت‌نام نزد من آمدند؛ صحبت کردیم و پیشنهاد دادم نامزد شوند؛ ثبت‌نام کردند و بعد انصراف دادند. دلیل را پرسیدم گفتند برای قرارگرفتن در لیست مبالغ هنگفتی از ما مطالبه کردند که از توان ما خارج بود. آیا این رفتار با اساتید برجسته درست است؟ حال سهم شورا در میان سهم شما در انتخاب و سهم سیاسیون و گروه‌ها در تشکیل چنین مجالسی چه میزان است؟ مطمئنا سهم ما بسیار کمتر است.

● در انتخابات پیش‌رو چقدر احتمال دارد به امثال آقای تاجزاده، عباس عیدی، احمد زیدآبادی و... که همگی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی اعتقاد دارند، امکان ورود داده شود. در قانون فعلی ما بحث اعاده حیثیت وجود دارد. وقتی یک فرد کفیری را تحمل می‌کند بدهی خود را به جامعه پرداخت کرده، پس با جامعه بی‌حساب شده است و حق بازگشت به جامعه را دارد؛ این افراد همچنان رد صلاحیت خواهند شد؟

پاسخ کوتاه بدهم و وارد مصادیق نشوم. ما یک مجازات تعلیقی داریم، مثلا شش ماه حبس تعلیقی؛ یعنی اگر مجدد مرتکب شدی همان شش ماه و شش ماه دیگر، یعنی تشدید می‌شود. گاهی مصادیقی این‌گونه می‌شوند.

● در همین راستا ما شاهد برگزاری دادگاه محمدرضا خاتمی در هفته‌های گذشته بودیم که خواستار حضور شما و چند شخص دیگر در دادگاه شدند و شما مخالفت کردید. با گذشت ۱۰ سال از انتخابات ۸۸ و تأیید نتیجه آن توسط شورای نگهبان هنوز بخشی از افکار عمومی درگیر ماجراست. چرا حاضر به حضور در دادگاه نشدید؟

فرض کنیم بنده اتهامی را به شخصی وارد می‌کنم. قرار می‌شود توضیح دهم، بعد نفر دیگری را که کاملا بی‌ربط به ماجرا است، نفری خواهم به‌عنوان شاهد بیاید تا ادعا‌ی من ثابت شود؛ آیا این درست است؟

● ما در پرونده‌های حقوقی جلب ثالث داریم و در کفیری احضار مطلع. شورای نگهبان ناظر بر انتخابات ۸۸ بود و صحت آن را تأیید کرده است؛ پس موضوع بی‌ربط به شما نیست؟

وقتی شمای نوعی ادعایی می‌کنید، باید مدارک حداقلی داشته باشید. ما مدارک و اسناد متقر را ثبت و ضبط کرده‌ایم. این‌گونه نبوده که ما کنش عظیم اجتماعی آن زمان را با دو صورت‌جلسه رفع کرده باشیم. نهایتا با طی تشریفات قانونی و بررسی‌های بسیار همه اسناد و مدارک جمع‌آوری و مستند شده‌اند. آنچه شورای نگهبان دارد و می‌گوید مستند است؛ نه سخنان وزارت کشور و ...

● در رابطه با پرونده محمدرضا خاتمی آیا دادگاه مستنداتی از شورای نگهبان خواسته است؟

خیر. درخواست مستندات نشده است.

● شما به‌عنوان استاد حقوق اگر قرار باشد پاسخ دهید، دادگاه بر چه اساسی این مدعا را رد یا تأیید خواهد کرد؟ نمی‌دانم باید از قوه قضائیه پرسید. ● قوه قضائیه در امر انتخابات دخیل نبوده است، مرجع برگزاری و مرجع تأیید صحت آن نبوده است. جایگاه مشخص دآوری و قضاوت میان خواهان و خواننده دارد و باید به عدالت قضاوت کنند. حالا یک فردی ادعا‌ی مششت میلیون تخلف رأی را مطرح کرده است؛ می‌شود که مطلعین به دادگاه احضار شوند؟

این بدیهیات اولیه حقوقی است. اگر کسی ادعایی کرده باید در وهله نخست مستندات داشته باشد، نه اینکه منوط به اظهارنظر سایرین باشد. ● فرض کنیم از مشارکت‌کنندگان ۱۰ میلیون نفر هنوز قانع نشده‌اند و چشم به دادگاه دوخته‌اند! با یک رأی دادگاه قانع خواهند شد؟ خیر به نظر من قانع نمی‌شوند.

● شورای نگهبان واکنش رسمی به ادعای محمدرضا خاتمی داشته است؟

خیر هیچ ادعایی نداریم و شکایتی هم مطرح

سیاست

شورای نگهبان پاسخ فقدان احزاب را می‌دهد



مهدی کروبی

نکرده‌ایم.

در این رابطه باید بگویم که شورای نگهبان بر فرایند انتخابات نظارت می‌کند و اجرا با وزارت کشور است و این وزارت گزارش‌هایی داده که مورد اشکال عده‌ای بوده است اما این سخنان و آمارها ملاک ما نبوده است. ما با نظارت خود اسناد را تأیید و جمع کرده‌ایم در این اسناد اختلاف نیست. اگر شورای نگهبان دو نظر مختلف داشت حرف آقای خاتمی قبول بود اما اینکه نظر شورای نگهبان با وزارت کشور وقت متفاوت بوده که مسئله ما نیست. مگر می‌شود هر چه وزارت کشور بگوید، ما تأیید کنیم. ما بررسی کردیم و گفتیم نسبت به صندوق‌ها تخلف عمده شکل نگرفته است.

● تخلف عمده در انتخابات یعنی چه؟

یعنی در جایی تخلف به میزانی بوده که سرنوشت انتخابات را تغییر داده است. ممکن است در یک صندوق باشد، آن صندوق باطل می‌شود. ممکن است در یک حوزه باشد، آرای آن حوزه باطل می‌شود و ممکن است در کل کشور باشد که خب کل انتخابات ابطال می‌شود. تاکنون در کل کشور نداشته‌ایم اما صندوق و شهر و استان را داشته‌ایم.

● در ادامه اگر تمایل دارید به بحث خود قانون اساسی که شورای نگهبان وظیفه پاسداری از آن را دارد مهر دازیم، ساختار نظام حقوقی ما تلفیقی از اندیشه‌های انقلابی غرب، شرق و اسلام است. به نظر شما بعد از انقلاب اسلامی ایران نیاز بود قانون اساسی را به آن سرعت تصویب کنیم. نمی‌توانستیم مثل تونس تأمل بیشتری داشته باشیم و با یک فراغ بال بیشتر عمل کنیم تا بعد از ۱۰ سال، آن‌هم بعد از کلی تخلف از اصول قانون اساسی مجبور به اصلاح شویم؛ آن‌هم اصلاحی که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود و خود خلاف قانون بود و فقط با دستور رهبر کبیر انقلاب می‌شد انجام شود.

اگر بهنگام بودن یا نبودن تصمیمات را مد نظر قرار دهیم، می‌توان به سؤال پاسخ دقیق داد. ما کشوری بودیم که با وجود اینکه مشروطه را تجربه کرده بود ولی در دوره پهلوی یک قانون اساسی و مجلس و نظام سیاسی با مفهوم و مصادق واقعی نداشت. ما در کتاب‌ها هر چه راجع نظام سیاسی و مجلس و قانون اساسی می‌خواندیم، نمی‌دانستیم چیست!

اگر به سال ۶۸ بازگردیم، من ببخشیم مخالف اصلاح قانون اساسی خواهم بود و پیشنهاد می‌دهم، بگذارند ۱۰ سال بعد تا از حوادث سال ۶۸ عبور کنیم و مجلس مؤسسانی تشکیل بدهیم تا چند سالی بر موضوع اصلاح آن کار کنند. هم‌اکنون که قانون اساسی سال ۵۸ را تورات می‌کنم، معتقدم خبرمایه قوی‌تری داشته است. اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ بهنگام نبود

● اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ ضرورت داشت و آیا یک تصمیم نابهنگام نبود؟

اگر قرار باشد بگویم اصلاحات سال ۶۸ چقدر حکیمانه بود، من امتیاز کمی خواهم داد. بحث ما مصادیق نیست؛ کاری که در سال ۵۸ انجام شد، با سال ۶۸ بسیار متفاوت بود.

اگر به سال ۶۸ بازگردیم، من بشخصه مخالف اصلاح قانون اساسی خواهم بود و پیشنهاد می‌دهم، بگذارند ۱۰ سال بعد تا از حوادث سال ۶۸ عبور کنیم و مجلس مؤسسانی تشکیل بدهیم تا چند سالی بر موضوع اصلاح آن کار کنند. هم‌اکنون که قانون اساسی سال ۵۸ را تورات می‌کنم، معتقدم خبرمایه قوی‌تری داشته است.

اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ بهنگام نبود.

● شما در شورا، در حقیقت نگهبان قانون اساسی هستید. آیا می‌شود ما دادگاه قانون اساسی داشته باشیم؟ از نظر شکلی درست است که قانون اساسی دادگاه قانون اساسی را پیش‌بینی نکرده است؛ اما امکان برپایی دادگاه قانون اساسی وجود دارد؟

الان فضای کشور باید نیازسنجی شود تا ببینیم این دادگاه را می‌خواهیم یا نه؟ هر وقت قانون اساسی اصلاح شد، آن را پیش‌بینی کنیم. نمی‌توانیم به طور مطلق بگوییم بد یا خوب است. کشورهای مختلف که این نهاد را دارند، باید دید چگونه عمل کرده است؛ مثلا در آمریکا دادگاه قانون اساسی ندارند؛ اما دیوان عالی کشور همین وظیفه را برعهده دارد. در ژاپن و آلمان و ترکیه دادگاه قانون اساسی داریم. اگر قانون اساسی خواست اصلاح شود، در چارچوب اصلاحات جدید پیش‌بینی کنیم؛ ولی من در بحث عملکرد نهادهای نکته‌ای دارم و معتقد هستم این ساختارها را بی‌جهت نباید توسعه دهیم. در چند دهه اخیر هر وقت با یک مشکل و معضل برخورد می‌کنیم، می‌رویم و یک نهاد می‌زنیم. در بحث اصلاح قانون اساسی پیشنهاد می‌دهند مجلس دوم بزنیم. پس این مجلس دوم چه ضرورتی دارد؟ بررسی کردیم اگر ضرورتی داشت، انجام بدهیم؛ اما در کشورهایی که فرایند سیاسی و اجتماعی به دو مجلس ختم شده بود، اکنون دارند به سمت وحدت مجلس می‌روند. بعد ما اکنون برعکس بقیه دنیا می‌خواهیم حرف کنیم. می‌گویند پست ریاست‌جمهوری را حذف کنیم و نخست‌وزیری بگذاریم. خب قرار است چه سودی داشته باشد؟ ریشه بسیاری از مشکلات در باور مسئولان است و در اعتقاد آنها به قانون اساسی و طبیعتا اجرای قانون اساسی حالا در هر پست و مقامی که باشند، وقتی قانون را اجرا نکنند، چه فرقی می‌کند ساختار چگونه باشد. اگر همین اصول به درست‌س اجرا شوند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود و نیازی به ساختار جدید نداریم. نمی‌خواهم نفی کنم که هیچ‌گاه نیازمند ساختار جدید نخواهیم بود؛ اما هر جایی کار کارشناسی انجام شد و کارشناسان تأیید کردند ما نیاز به ساختار جدید داریم، بهتر است تغییرات انجام شود. رفتار انتخابات غیرمستقیم ریاست‌جمهوری را به انتخابات مستقیم تبدیل کرده است. حالا ما مدت‌هاست می‌گوییم با ایجاد نخست‌وزیری و حذف ریاست‌جمهوری انتخابات مستقیم را غیرمستقیم کنیم.

● جناب دکتر در سال سختی قرار داریم و حضور پررنگ‌شور مردم در انتخابات مهم است؛ اما واقعیت این است که مردم در شرایط مساعدی قرار ندارند. سایه جنگ بر سر کشور است، تحریم‌های سنگین و شرایط اقتصادی بد زندگی را برای مردم دچار مشکل کرده است. برای جمع‌بندی این گفت‌وگو توصیه می‌پیشنهاد شما به همه مسئولان برای گذر از این سال سخت و ترمیم اعتماد عمومی مردم چیست؟

بیش از آنکه بخواهیم درباره فضای سیاسی نظر بدهیم، باید به بحث ناکارآمدی مدیران اشاره کنیم. در شرایطی قرار داریم که بسیاری معتقدند چون روزی انقلاب کرده‌اند؛ پس صاحب‌صندلی خود هستند و بهتر از آنها برای اداره کشور وجود ندارد. اینکه من کدخدایی به دلیل نقشی که در گذشته داشتم، روی یک صندلی بنشینم، نه سهم؛ بلکه مدعی پاسداری از صندلی باشم، بزرگ‌ترین آفت است. ما باید پوست‌اندازی کنیم. باید راه را برای ورود جوانان باز کنیم.

بزرگان هر چه داشتند، تمام شده است و می‌توان از تجارب آنها استفاده کرد؛ اما ادامه حضور آنها بر مسند مدیریت صحیح نیست. در دنیا هم این‌گونه است که نخست‌وزیر کانادا جوانی شده که هم‌سفر فرزند ترامپ است یا در فرانسه یا استرالیا و ... فقط مقام معظم رهبری این تدغره را جدی مطرح و خود در انتصابات‌شان از افراد جوان متولد دهه ۶۰ استفاده کرده‌اند. دیگر مسئولان فقط شعار جوان‌گرایی داده‌اند. در همین شورای نگهبان وقتی چند دوره حضور داشته‌اید و خدماتی انجام داده‌اید، خب بروید کنار و بگذارید افراد جوان وارد این شورا شوند تا موجب خسران بزرگی نشود. همچنین اگر بوروکراسی موجود را حل کنیم، بخش مهمی از مشکلات را حل کرده‌ایم؛ وگرنه ناکارآمدی می‌شود نمره پایان سال ما. بنابراین با اصلاح روند اجرایی امور و بهبود شرایط اقتصادی باعث تحکیم وحدت در جامعه خواهیم شد که نتایج مثبتی هم در پی خواهد داشت.

رویداد

۳۷ سال انتظار

● «من در لباس سپاه، با کارت سپاه، با همه چیز سپاه دارم به شما می‌کمم که شما باید از سپاه توضیح بخواید. باید یکی از شما بیرسد چرا؟ اینکه شما نرسیدید، شما ملت پاهو در این مورد احساس مسئولیت نکردید، کار به اینجا کشیده». چهار دهه از این سخنرانی می‌گذرد؛ ۱۳۵۸، کردستان، پاهو. حاج احمد متوسلیان که در آن مقطع فرمانده سپاه پاهو بود، خطاب به جمعی از مردم می‌گوید: «مردم شما باید بخواید که بودجه سپاه در عرض ماه برای چیا خرج شده. چطور سپاه پایگاه مردمی پیدا می‌کند؟ به‌این‌ترتیب، که حتی همه حساب‌ها برای مردم روشن شود. که آقا یک قران داده شد، مثلا این‌قدر گوشت خریدیم. هان؟ من از شما می‌پرسم چرا باید سپاه اینجا ماهی یک‌میلیون‌ورده‌ای تا دو میلیون تومن خرج داشته باشد. کجا میره این پولاً؟». جمله آخر را با فریاد می‌گوید. این آخرین روزهای حضور او در کردستان است. متوسلیان سه سال بعد جایی در برباره، شمال لبنان به‌همراه سه نفر از اعضای دیگر سفارت ایران در بیروت، به دست فلاژتها روده می‌شود. امروز ۳۷ سال از این واقعه گذشته است. ۳۷ سال است که متوسلیان، کاردار سفارت ایران در بیروت، کارمند سفارت و عکاس ایرنا جایی میان تاریخ گم شده‌اند. هنوز رژیم اسرائیل مسئولیت این آدم‌ربایی را بر عهده نگرفته و اطلاعات موقتی از سرنوشت آنها در دست نیست. با این‌همه هر سال همین روزها اظهارنظرها دوباره به صدر اخبار می‌آید. وزارت خارجه بیانیه می‌دهد و روی پیشنهاد کمیته حقیقت‌یاب افشاسازی می‌کند.

کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شود

در بیانیه وزارت خارجه آمده: «امروز چهاردهم تیرماه، ۳۷ سال از واقعه روده‌شدن ۴ دیپلمات کشورمان آقایان سی‌حمدشن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان و تقی رستگارمقدم، توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در نقطه ایست‌وبازرسی برباره در شمال لبنان در سال ۱۹۸۲ می‌گذرد». وزارت خارجه به شواهدی که دال بر اسیر بودن چهار دیپلمات ایرانی است، اشاره کرده است. «همان‌طورکه طی این سال‌ها اعلام شده است، شواهد و قرآن گویای آن است که دیپلمات‌های روده‌شده در لبنان، به نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی تحویل داده شده و متعاقبا به سرزمین‌های اشغالی منتقل شده‌اند و اکنون در زندان‌های این رژیم نامشروع به سر می‌برند. بر همین اساس و با توجه به اشغال لبنان در آن زمان توسط رژیم صهیونیستی که با حمایت کامل آمریکا صورت گرفت، جمهوری اسلامی ایران مسئولیت انسانی خود در پیگیری این پرونده عمل نمایند و تمام تلاش خود را برای روشن‌شدن وضعیت دیپلمات‌های روده‌شده به کار برند و در همین چارچوب، مجددا بر پیشنهاد خود مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب از سوی صلیب سرخ جهانی تأکید دارد».

شهید اسیر؟

دیروز حسین امیر عبداللهیان، دستیار رئیس مجلس در امور بین‌الملل هم در توییتی با اشاره به سالروز روده‌شدن چهار دیپلمات ایرانی نوشت: «این دلاورمردان همچنان در زندان رژیم صهیونیستی به سر می‌برند». پیش از این اظهارنظرهای دیگری هم در همین ارتباط از مقامات نظامی شنیده شده بود. حسین دقان، وزیر دفاع در دولت بازدهم گفته بود: «ما می‌گوییم زنده و در اختیار رژیم صهیونیستی هستند و باید آنها را تحویل ما بدهند. این موضوعی است که ما داریم و یک موضع سیاسی است. یک موضع عملیاتی و اقدامی نیست؛ یعنی ما به عبارتی رژیم صهیونیستی را مسئول سرنوشت این افراد می‌دانیم». یک سال قبل از این اظهارات دقان، یعنی سال ۹۵ محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت گفته بود: «اخیرا اطلاعاتی از حاج احمد متوسلیان به دست آمده و امیدواریم سرخ‌ها به جایی برسند». اینها در حالی است که هنوز بعد از ۳۷ سال آیت‌الله هاشمی در سال ۶۹ نوشته شده که طبق اطلاعات آمریکا متوسلیان و همراهانش در همان روزهای نخست روده شده‌اند به شهادت رسیده‌اند. بهرام قاسمی سال ۹۵ به خبرگزاری میزان گفته بود که «قرائن زیادی دل بر زنده‌بودن این عزیزان در دست است». خبرهای ضدوتناقض اما هنوز بعد از ۳۷ سال ادامه دارد تا هنوز چشم‌هایی منتظر بازگشت او باشند. امیر متوسلیان، برادر حاج احمد گفته است: «مادر مرتب چشم‌انتظار احمد است... عکس حاج احمد روی رادیاتور کنار تخت مادر است. خواستم آن را به دیوار بزنم، گفت: نه آنجا باشد، نمی‌توانم او را ببینم».